

قاعده حرمت اعانه بر اثم و عدوان با رویکردی بر نظریات امام خمینی (س)

سید محمد موسوی بجنوردی^۱

چکیده: یکی از قواعد فقهی قاعده «حرمت اعانه بر اثم و عدوان» است. در این مقاله نگارنده ابتدا مدارک و مستندات این قاعده را از قرآن و روایات ارائه می‌کند و حکم عقل و اجماع را بیان می‌دارد و در ضمن استناد به آیه معانی لغوی و اصطلاحی لغات این قاعده را تشریح نموده، سپس حکم این قاعده را در فقه و حقوق و تاریخچه آن را در حقوق جزای ایران و دیگر کشورها ذکر می‌کند همچنین شرایط تحقق آن را توضیح داده و رابطه معاونت با شرکت و تسبیب در جرم و وجوه افتراق و اشتراک آن را بررسی می‌کند. در پایان نیز معاونت در معاملات نامشروع در فقه و حقوق و در قانون فرانسه را ذکر نموده آن را با قانون ایران تطبیق می‌کند.

کلیدواژگان: اعانه، اثم، عدوان، جرم، سبب، مباشر، معاون.

جرم در فقه اسلامی و قانون همان گناه و معصیت است و معاونت در جرم همان معاونت بر اثم و گناه است. معاونت در جایی تحقق می‌یابد که فرد یا افرادی بدون اینکه در تحقق فعل مجرمانه دخیل باشند، در سایر مراحل مختلف جرم ایفای نقش کنند؛ مانند کسی که ابزار و آلات جرم را مهیا کند و در اختیار مباشر یا شرکای جرم قرار دهد و یا اینکه مجرمان را در نیل به اهدافشان ترغیب کند و مواردی دیگر نظیر آن. این مقاله را با بررسی مدارک و مستندات این قاعده آغاز می‌کنیم.

۱. استاد دانشگاه و مدیر گروه‌های حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).

e-mail: moosavi@ri-khomeini.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۲ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۰ مورد تأیید قرار گرفت.

مدارک و مستندات

۱- آیه

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَاتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲): در نیکی و پارسایی همدستی کنید نه در گناه و ستمکاری و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.

معنای لغوی و اصطلاحی معاونت

در لغت «معاونت» یا «اعانت» از ریشه «عَوْن» است به معنی «یاری»، «دستگیری» و «پشتیبانی» جمع آن اعوان که برای مفرد، جمع، مؤنث و مذکر یکسان است (ابن منظور ۱۴۱۲ ج ۹: ۴۸۴؛ جر ۱۳۷۵ ج ۲: ۱۵۰۲؛ شرتونی ۱۳۷۴ ج ۳: ۶۸۲).

کلمه معاونت از باب مفاعله بوده و «معین» و «معان» اسم فاعل آن است که به معنای «یار»، «یاور» و «کمک کننده» هستند (صفی پور ج ۳: ۲۸۹). «اعانت» نیز به معنای مساعدت کردن است. در آیه مذکور «تعانوا» یاری کردن بر گناهی است که از مباشر سر می‌زند و «لا»یی که قبل از آن آمده لای ناهیه است که دلالت بر حرمت دارد، نه بر کراهت (موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۴).

اما درباره معنای فقهی، شیخ انصاری - قدس سره - در این مورد فرموده‌اند: «ان الاعانة هي فعل بعض مقدمات فعل الغير بقصد حصوله منه لامطلقاً» (انصاری ۱۳۷۴ ج ۱: ۴۸) اعانت عبارت است از انجام بعضی از مقدمات کاری که دیگری انجام می‌دهد، با قصد انجام و تحقق فعل از آن شخص مورد نظر، نه بدون قصد مطلقاً.

مرحوم والد - قدس سره - فرموده‌اند:

و اما الاعانة فهي لغة بمعنى المساعدة و اعانه على ذلك أي: ساعده عليه و المعين و المعان الانسان هو المساعد له في فعله و أشغاله... فالمراد من الاعانة على الاثم، مساعدة الاثم الذي يصدر منه و ذلك بايجاد جميع مقدمات الحرام الذي يرتكبه او بعضها (موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۹).

اعانت در لغت به معنی مساعدت است؛ مثلاً می‌گویند: اعانه علی ذلك، یعنی او را یاری داد. معین، یعنی کسی که فردی را در انجام کارش یاری دهد. بنابراین مراد از اعانت بر اثم، یاری

کردن بر گناه است، یعنی گناهی که از مباشر صادر می‌شود و حال این معاونت با ایجاد همه مقدمات یا بعضی از مقدمات فعل حرامی است که شخص گناهکار انجام می‌دهد.

اعانت یعنی یاری دادن، بنابراین معین همان مساعد او در یک جهت یا سایر جهات است. ولیکن ظاهر عدم اختصاص مساعدت به مساعدت عملی است، بلکه شامل کمک فکری و ارشادی نیز می‌شود. خلاصه اعانت یعنی یاری رساندن جهت صدور فعل حرام که فکری و عملی را شامل می‌شود (فاضل لنکرانی ج ۱: ۴۴۹).

معاونت یعنی فعلی از فاعل یا مباشر صادر شود و فردی مقدمات آن فعل را فراهم کرده باشد (نراقی: ۲۶).

معاونت بر اثم یعنی ایجاد مقدمه‌ای از مقدمات فعل غیر، اگرچه تهیه مقدمات از روی قصد نباشد و فاعل نیز در انجام فعل مستقل باشد (خویی ۱۳۷۷ ج ۱: ۱۷۶).

از دیدگاه حضرت امام خمینی^(س) تهیه مقدمات و اسباب معصیت برای کسی است که قصد ارتکاب آن را دارد؛ حال اینکه تهیه اسباب برای رسیدن به هدف باشد یا نه، یا اثم در خارج تحقق یابد یا نه، اعانت بر اثم بوده و حرام است (امام خمینی ۱۳۸۱ ج ۱: ۲۱۱).

تعریف معاونت

در تعریف معاونت برخی ایراد گرفته‌اند که این آیه بر حرمت اعانت در راه اثم و عدوان دلالت دارد و غیر از تعاون است. اعانت این است که کسی دیگری را یاری دهد. ولی تعاون عبارت است از همکاری دو یا چند نفر یا یک گروه با یکدیگر. به تعبیر دیگر، تعاون از باب تفاعل است و نیاز به دو فاعل دارد.

در پاسخ باید اظهار داشت که خداوند سبحان امر به تعاون بر برّ و تقوی کرده است و همچنین از تعاون بر اثم و عدوان نهی فرموده است. این همه به اعتبار فعل واحد یا قضیه واحده و یا واقعه واحدی نیست، بلکه خطاب به عموم مسلمانان و مؤمنان است که هر کدام دیگری را در برّ و تقوی یاری دهند و در اثم و گناه، مساعدت و کمک نمایند.

بنابراین اطلاق لفظ تعاون به اعتبار مجموع قضایاست نه به اعتبار یک قضیه واحده یا فعل واحد. به عنوان مثال، اگر زید، عمرو را در انجام کاری کمک کند و عمرو هم زید را در کار دیگر کمک نماید، تعاون انجام شده است. زیرا هم زید عمرو را اعانت کرده و هم عمرو، زید را

یاری داده است. بنابراین، استعمال واژه تعاون بر آن دو صادق است. در حالی که نفس فعل انجام شده یکی نیست بلکه دو فعل است و برای تعاون احتیاج به یک فعل داریم، نه دو فعل. بنابراین تعاون شامل معنای اعانت هم می‌شود و انصافاً آیه در دلالتش قصوری ندارد. اگرچه لفظ تعاون که از باب تفاعل است، نیاز به دو فاعل دارد. اعانت بر اثم یعنی جایی شخصی با انجام کار خود وسیله حرام را فراهم کند، مقدمه‌ای از مقدمات صدور حرام از غیر را ایجاد کرده، دست گناهکار را باز کند و او را در ارتکاب حرام متمکن سازد (امام خمینی ۱۳۸۱ ج ۱: ۲۱۱).

معنای لغوی و اصطلاحی اثم

در لغت «اثم» به معنای «گناه»، «قمار»، «کار حرام» و کارهایی است که انجام دادن آن برای انسان حلال نیست، یا دال بر کارهایی است که انسان را از ثواب باز می‌دارد. گاه «اثم» به معنای «کیفر» می‌آید، ولی به نظر می‌رسد به معنای «ضرر» باشد.

در آیه شریفه آمده: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹). از تو درباره خمر و قمار می‌پرسند بگو در آن دو، ضرری بزرگ و نیز منافعی برای مردم است، ولی ضرر آن از نفعش بیشتر است.

از مقابله «اثم» با «منافع» نتیجه می‌گیریم که معنای اصلی آن «ضرر» است. کما اینکه گفته می‌شود: اثم هر چیزی است که در آن ضرر و زیان باشد. اسم فاعل آن «آثم» به معنی «گناهکار»، و صیغه مبالغه آن «أثیم» و جمع آن «آثام» است (راغب اصفهانی: ۵).

در معنای اصطلاحی اثم باید گفت اثم آن چیزی است که خداوند سبحان از آن نهی کرده، خواه گناه صغیره باشد خواه گناه کبیره باشد. ترک هر چیزی که واجب است، انجام هر چیزی که حرام است و گناه و سرکشی را «اثم» گویند. این واژه شامل همه گناهان و تمام مقدمات گناه می‌شود (موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۹).

معنای لغوی و اصطلاحی عدوان

عدوان در لغت به معنای تعدی، تجاوز، ظلم و دشمنی است. عدوان بر وزن فعلان از ریشه عدا — یعدو — عدواناً است. در اصطلاح، عدوان، دشمنی و ستم آشکار است؛ «پس اگر باز ایستادند،

دیگر جای زور و دشمنی نیست مگر بر ستمکاران». عدوان همان تجاوز از حدود الهی است که خداوند آن را برای بندگان خود در شرع مورد نکوهش قرار داده است (طبرسی ج ۳ و ۴: ۱۵۵).
 در آیه «ولا تعاونوا...» عدوان عطف به اثم شده است که عطف خاص بر عام است. عدوان، دشمنی و ظلم را گویند که عطف به گناه شده است. اثم هم گناه کبیره و هم گناه صغیره را شامل می‌شود. عدوان یعنی ظلم و تعدی که از مصادیق گناه است (موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۶). «خلق را هر چه بتوانند از خیر و سعادت باز می‌دارند و به ظلم و بدکاری می‌کوشند»؛ «هرکس کتمان شهادت کند البته به دل گنهکار است»^۲؛ «بسیاری از آنها را بنگری که به گناه و ستمکاری و خوردن حرام می‌شتابند، بسیار بدکاری را پیشه خود نمودند»^۳. پس اثم از عدوان است و زیرمجموعه آن است (راغب اصفهانی: ۶۴).

معنای لغوی جرم

جرم از ماده «جَرَمَ» بر وزن «ضَرَبَ» و به معنای «تعدی، گناه و معصیت» است. معنای دیگر آن «قطع کردن» می‌باشد، چون جرم سبب قطع عمل واجب‌الوصول می‌شود. بنابراین گناهکاران را مجرم گویند؛ زیرا عمل صالح را قطع می‌کنند (قریشی ج ۱: ۲۷).

جَرَمَ - جَرَمًا لِأَهْلِهِ: برای اهل خود کسب کرد. ~ الشیء: آن چیز را برید و الشیء آن چیز را تمام کرد. ~ الرَّجُلُ: آن مرد گناه کرد. ~ ه: او را گناهکار گردانید یا بر او گناه نهاد. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ» (مانده: ۲ و ۸): و دشمنی قومی شما را به گناه نیفکنند. جَرَمَ جَرِيمَةً: گناه یا جنایت کرد. جَرَمَ - جَرَامَةً: گناه او بزرگ شد. جَرَمَ - جَرَمًا... ~ به الدم أم الذنْبُ: خون یا گناه بر گردن او افتاد... الجَرَم: گناه و خطا... الجَرَم: خطا و گناه (جر ج ۱: ۷۳۸).

۱. مَنَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِمٌ (قلم: ۱۲).

۲. لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ (بقره: ۲۸۳).

۳. وَ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (مانده: ۶۲).

قاعده «حرمة الاعانه على الاثم و العدوان» در فقه

صیغه نهی «و لاتعاونوا» حکم حرمت دارد یا کراهت؟

اما در رابطه با «اثم و عدوان» که - همکاری نکنید - به واسطه عمل و مشهور بودن می توان به ظاهر آن عمل کرد و اشکالی در آن نیست. لیکن بحث درباره وحدت سیاق آیه است که آیا می توان نهی را در آیه بر کراهت حمل کرد یا نه؟ در پاسخ باید گفت:

اولاً، آیه شامل دو جمله مستقل است که یکی بر امر و دیگری بر نهی حکم می کند. وحدت سیاق زمانی حاصل می شود که ما دو جمله با یک حکم داشته باشیم که یا امر و یا نهی باشند. اما در این آیه اینگونه نیست. زیرا حکم آنها جداگانه است که یکی ایجاد شیء و دیگری ممانعت از حصول شیء را بیان می کند.

ثانیاً، تابع دو جمله در آیه مذکور دلیلی بر وحدت سیاق نیست. برخلاف حدیث رفع که آن حضرت (ص) در صدد بیان رفع اشیاء برآمده که باعث امتنان امت می شود و اگرچه مرفوع متعدد است ولی به وسیله یک رفع امتنانی برداشته می شود (فاضل لنکرانی ج ۱: ۴۴۴؛ موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۴).

از ظاهر ماده «عون» به دست می آید که مراد همان مساعدت بر امری باشد. معین نیز همان ظهیر و مساعد است و معنای معاونت زمانی صدق می کند که یکی معان و مباشر فعل باشد و دیگری او را در صدور فعل یاری رساند. لذا مراد از «تعاون» در آیه شریفه آن است که معین غیر در معصیت نباشد اما در نیکیها معین غیر باشند، نه اینکه برای انجام دادن هر فعلی جمع شوند. کما اینکه در فرهنگ لغت می گویند: تعاونوا، اعتونوا به معنای یکدیگر را یاری رساندن است. اما اگر مراد از تعاون همان شرکت و شریک بودن در ایجاد مقدمه باشد، مقتضی جمود ظاهر قول آیه خواهد بود. اشکال دیگری که بر صدق «اعانت» می شود آن است که مورد حکم در معاونت، تنزیهی است و دلیل آن تقابل امر و نهی است. سیدنا الاستاذ، امام خمینی (س) برای رد اشکال فرموده اند: حکم ما در آیه مبارکه اگرچه تنزیهی نیست دلیل ما اولاً، تناسب حکم و موضوع و نیز حکم عقل است که هر دوی آنها شاهد بر این است که این نهی بر تحریم شامل نهی تنزیهی نمی شود. ثانیاً، ضرورت حرمت معاونت بر اثم و عدوان وارده در اخبار دلالت بر عدم تنزیهی بودن حکم نهی است (امام خمینی ۱۳۸۱ ج ۱: ۱۹۷-۱۹۶).

به اتفاق فقها، جمله دوم دلالت بر حرمت معاونت در اثم دارد، در حالی که جمله اول دلالت بر وجوب همکاری در نیکی و احسان دارد.

آنچه در آیه مزبور در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد. طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک، تعاون کنند اما در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم مطلقاً همکاری ممنوع است، هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر شخص مسلمان باشد. تعاون و همکاری باید هم در دعوت به نیکی‌ها باشد و هم در مبارزه با بدیها انجام گیرد (مکارم شیرازی ج ۴: ۲۵۳).

صیغه امر «تعاونوا» دلالت بر وجوب دارد یا استحباب؟

در «تعاونوا علی البرّ...» نظر به استحباب است، زیرا در خارج عدم وجوب مطلق تعاون در «برّ» و «تقوا» وجود دارد، لذا لازم می‌آید که از ظهور دست برداریم و آیه را بر استحباب حمل کنیم، کما اینکه ظاهر است. اما می‌توان آیه را بر وجوب تعاون حمل کرد، مانند حفظ جان محترم یا نجات غریق یا فرد سوخته. و علت آن است که در احادیثی دفع منکر و ضرر در این امور واجب شده و حکم عقل نیز ما را تأیید می‌کند که در این موارد حمل بر وجوب تعاون کنیم. اما در مواردی که شارع مقدس دفع منکر را لازم ندانسته، دلیلی بر وجوب آن نخواهد بود؛ لذا حکم را بر استحباب حمل می‌کنیم (موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۳).

۲- روایات

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر کس در کشتن فرد مسلمانی حتی در نوشتن کلمه و عبارتی مساعدت کند، در روز قیامت به گونه‌ای برمی‌خیزد که گویی بر پیشانی او نوشته شده از رحمت پروردگار مهربان مأیوس است (موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۶). امام رضا (ع) فرمودند: هر آنچه از جانب خداوند متعال و شریعت مقدس مجاز شمرده شده و قوام و ایستایی امور مردمان بدان باشد، از قبیل آنچه می‌خورند و می‌آشامند و می‌پوشند و نکاح می‌کنند و تملک می‌نمایند، خرید و فروش و هبه و عاریه‌اش حلال باشد و هر آنچه فسادی در آن به چشم می‌خورد، به همین دلیل مورد نهی قرار گرفته و به عبارت بهتر، خوردن و آشامیدن یا پوشیدن آن ممنوع شمرده شده است، یا اینکه نکاحش یا نگهداری و امساکش ناروا دانسته شده است مثل مردار و خون و گوشت خوک و ربا و

تمامی پلیدیها و گوشت درندگان و شراب و آنچه شبیه اینهاست حرام است و برای جسم ضرر دارد و موجب فساد روح و عقل است^۱ (انصاری ۱۳۷۴ ج ۱: ۸). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: مبادا بر ضرر مسلمان مظلومی کمک کنید، تا او به درگاه خداوند بر شما نفرین کند و نفرین او در باره شما به اجابت رسد؛ زیرا نفرین مسلمان مظلوم به اجابت می‌رسد (طوسی ۱۳۸۷ ج ۶: ۲۸۵).

۳- حکم عقل

عقل به قبح اعانت بر اثم، که سبب خشم مولی می‌شود، حکم کرده است، همان‌طوری که ارتکاب آن نیز عقلاً قبیح است. لذا ما را امر کرده تا آن را ترک کنیم. همچنین، عقل تهیه مقدمات و اسباب فعل حرام و اعانت بر فعل را قبیح می‌داند و بدینسان معین را مستحق عقاب دانسته است. از آنجا که قوانین جزایی نیز او را مستحق کیفر می‌دانند، بدین جهت قوانین عرفی مکلف به ایجاد قوانین جزایی شده‌اند - اگرچه معین نقش اصلی در جرم نداشته باشد - وی را به مجازات محکوم می‌کنند؛ مثلاً، اگر کسی در سرقتی سارق را یاری دهد و اسباب سرقت را فراهم و سارق را در این جرم یاری کند، معین و معاون جرم بوده و از دیدگاه عقل مستحق جزا و مجازات می‌باشد. همان‌طور که در قوانین جزایی عمل شده است.

حکم عقل مستقل است از قبیح بودن کمک و مساعدت بر انجام فعلی که مبعوض شارع مقدس است و یا چیزی که در آن مفسده‌ای باشد. زمانی که عقل آدمی به طور مستقل چنین فعلی را قبیح پندارد، به دلیل قاعده ملازمه «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» در شریعت مقدس نیز چنین فعلی قبیح خواهد بود و شخص اعانت کننده هم مبعوض شارع مقدس خواهد بود (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲ ج ۳: ۳۰۰).

۱. اعلم رحمک الله انّ کلّ ما هو مأمور به علی العباد، و قوام لهم فی أمورهم من وجوه الصّلاح الّذی لا یقیمهم غیره ممّا یأکلون و یشرّبون و یلبسون و ینکحون و یملکون و یستعملون فهذا کلّه حلال بیعه و شراؤه و هبته و عاریته و کلّ امر یكون فیہ الفساد ممّا قد نهی عنه من جهة اكله و شربه و لبسه و نکاحه و امساكه بوجه الفساد مثل: الميتة و الدّم و لحم الخنزیر و الرّبا و جمیع الفواحش و لحوم السباع و الخمر و ما أشبه ذلك فحرام ضارّ للجسم و فساد للنفس، انتهى.

۴- اجماع

اگرچه فقهای عظام بر حرمت اعانت اثم اجماع دارند، ولی با وجود آیه و سایر دلایل (روایات و عقل) اجماع فاقد اعتبار است. قهراً چنین اجماعی، اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی دلیل مستقلی نمی‌باشد (موسوی بجنوردی ۱۳۱۹ ج ۱: ۳۰۸).

حرمت اعانت، روایات مستفیضه و اجماع علماست و فقها در موارد گوناگون و در احکام عدیده بدان استدلال کرده‌اند (نراقی: ۲۶).

بررسی قاعده «حرمة الاعانه على الاثم و العدوان» در حقوق: معاونت در جرم

در تعریف معاونت در جرم در حقوق اسلامی آمده است که معاون کسی است که در نفس فعل مجرمانه نقشی ندارد، لیکن امکانات را برای تحقق فعل اصلی توسط مجرم فراهم می‌آورد و راه را هموار کرده، تسهیلات لازم را برای مباشر یا سبب جرم تدارک می‌بیند.

مسلم است که در حقوق اسلامی معاونت در جرم با اصطلاحاتی نظیر اعانت بر اثم، اعانت ظالمان، اعانت أعوان ظلمه مطرح است و برای کیفر آن نص خاصی وجود ندارد و فقط معاون یا معاونین در جرم تعزیر می‌شوند (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲ ج ۳: ۲۹۷-۲۹۶).

معاونت از دیدگاه حقوق جزا از دو نظر مورد توجه قرار می‌گیرد: یکی مفهوم و معنای «موسع» و دیگر مفهوم و معنای «مضيق». معاونت در مفهوم موسع، شامل هرگونه مداخله و مشارکت در ارتکاب جرم و از آن جمله شامل اصطلاح خاص و حقوقی معاونت در جرم می‌باشد.

معاونت در این مفهوم اطلاق داشته و شامل تمام افرادی می‌گردد که به نحوی از انحاء اعم از مباشرت، شرکت و معاونت سهمی در تحقق جرم دارند. در حالی که در معنای مضيق معاونت، نوع خاص و معینی از همکاری در ارتکاب جرم است، به طوری که مجرم اساساً و رأساً هیچ‌گونه مداخله‌ای در عملیات اجرایی سازنده جرم نداشته و نقش او، فرعی و تبعی بوده و تنها در پیرامون جرم محدود و مشخص به اموری چون تهیه مقدمات جرم و تشویق و ترغیب ... می‌شود. مراد ما از معاونت در جرم مفهوم مضيق آن است (مرادی: ۱۱۹). معاونت در جرم یعنی تحریک عامل اصلی جرم یا کمک در تهیه مقدمات یا در لواحق جرم یا تسهیل در اجرای آن و به طور کلی به معنای کمک عالمانه به مباشر جرم از طرف غیر مباشر است (جعفری لنگرودی ۱۳۶۸: ۶۶۹).

معاونت یعنی فاعل مجرم را به راههای مختلف جرم یاری رساند و معاون با تهیه مقدمات باعث حصول و نیز تسهیل جرم می‌شود. معاونت ممکن است قبل از حصول نتیجه باشد؛ مانند اینکه معاون با ارشاد، مجرم را در حصول نتیجه مجرمانه یاری رساند و گاهی نیز معاونت همزمان با وقوع جرم است که در این حالت معاون، مجرم را در حین ارتکاب جرم یاری می‌رساند، به نحوی که در رکن مادی جرم دخالت نکند؛ مثلاً در جرم سرقت، کسی که با گرفتن طناب برای سارق، سرقت را تسهیل می‌کند، این فرد معاون در جرم و عمل وی کمک به جرم محسوب می‌گردد.

در تعریف معاون جرم آمده، معاون کسی است که هرچند مانند شریک در انجام جرم مداخله نموده است، لکن برخلاف مجرم یا مجرمین اصلی وقوع جرم به وی استناد داده نمی‌شود. بنابراین، ممیزه اصلی معاون از شریک در جرم فقدان رابطه استناد بین جرم و فعل معاون است.

تاریخچه معاونت در جرم در حقوق جزای ایران و کشورهای دیگر

در ایران، فصل ششم از قانون مجازاتهای عمومی مصوب ۲۳ دیماه ۱۳۰۴، بر شرکا و معاونین مجرم اختصاص یافته و ماده ۲۸ از قانون مذکور مقرر داشته اشخاص ذیل معاون مجرم محسوب می‌شوند:

۱- کسانی که باعث و محرک ارتکاب فعلی شوند که منشأ جرم است و به واسطه تحریک و ترغیب آنها، آن فعل واقع می‌شود.

۲- کسانی که تبانی بر ارتکاب جرم کرده و به واسطه تبانی آنها جرم حادث می‌گردد.

۳- کسانی که با علم و اطلاع از حیث تهیه و تدارک آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن یا به هر نحوه مباشر جرم کمک کرده‌اند.

مطابق ماده ۲۹ در مورد معاونین، محکمه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال قضیه یا نظر به کیفیت، معاونین مجرم را به همان مجازاتی محکوم نماید که برای شریک مجرم مقدر است یا مجازات را از یک الی دو درجه تخفیف دهد. سپس ماده ۳۰ از این قانون به کیفیات اختصاصی که موجب تشدید یا تخفیف مجازات در خصوص فاعل می‌گردد، اشاره نموده و عدم تسری آن را به معاون یا معاونین مجرم بیان داشته است. برابر ماده مرقوم، اوضاع و احوال مختصه به مرتکب

اصلی که موجب تغییر وصف یا موجب تخفیف و تشدید مجازات است، نسبت به معاون جرم مؤثر نخواهد بود و همچنین هرگاه فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی معاف از مجازات باشد معافیت او تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.

مقولات مذکور به موجب قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ منسوخ و همچنین مواد ۲۸ الی ۳۰ از این قانون به بیان احکام و شرایط معاونت در جرم اختصاص یافته است. برابر ماده ۲۸ اشخاص زیر معاون مجرم دانسته می‌شوند:

(۱) هرکس که بر اثر تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کسی را مصمم به ارتکاب جرم نماید، یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

(۲) هرکس با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند یا از طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

(۳) هرکس عالماً، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.

مجازات معاونت در جنحه یا جنایات مجازات مباشرت در ارتکاب آن است، ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون، مجازات وی را تخفیف دهد.

تبصره: برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

ماده ۲۹- در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نبوده و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون مجرم نخواهد داشت.

ماده ۳۰- مجازات شخص یا اشخاص که اداره یا سردستگی دو یا چند نفر را در ارتکاب جرم به عهده داشته باشند اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد، حداکثر مجازات آن جرم خواهد بود؛ مگر اینکه در قانون مجازات خاص تعیین شده باشد.

چنانچه ملاحظه می‌شود این قانون تغییرات چندی را در قانون سال ۱۳۰۴ ایجاد نموده است. مقررات مزبور تا پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی مورد عمل محاکم قرار می‌گرفت. در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۶۱ قانون راجع به مجازات اسلامی در ۴۱ ماده به صورت آزمایشی به تصویب کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی رسید. ماده ۲۱ تا ۲۳ از قانون مرقوم به این نماد حقوق اختصاص یافت و تقریباً به تکرار مقررات قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ پرداخت.

برابر ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، در جرایم تعزیر اشخاص زیر، معاون جرم محسوب و تعزیر می‌شوند:

(۱) هرکس با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

(۲) هرکس بر اثر تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کسی را مصمم به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

(۳) هرکس عالماً عامداً جرم را تسهیل کند.

تبصره: برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

ماده ۲۲ و ۲۳ نیز تقریباً مواد ۲۹ و ۳۰ از قانون ۱۳۵۲ را تکرار کرده است. لیکن قانونگذار اسلامی به صدر ماده ۲۸ قانون ۱۳۵۲، عبارت «در جرایم قابل تعزیر» و سپس عبارت «و تعزیر می‌شوند» اضافه کرده و بدین ترتیب مقررات قانونی معاونت در جرم را به جرایم مستوجب تعزیر محدود نمود و تکلیف جرایم دیگر چون جرایم مستوجب حدود قصاص و دیات را از محدوده عموماً معاونت در جرم خارج کرده و به حق نوع مجازات معاون را به مجازات تعزیری محدود و منحصر نموده است.

از آنجا که قانون راجع به مجازات اسلامی در مقام تبیین‌کننده اصول کلی حاکم بر اقسام جرایم بود؛ لذا اینکه اصول و مقررات معاونت تنها به جرایم قابل تعزیر اختصاص یابد، چندان

موجه و منطقی نیست. علی‌هذا قانون مذکور با تصویب قانون مجازات اسلامی ماده ۱۳۷۰ نسخ گردید. مواد ۴۳ تا ۴۵ قانون اخیر به شرح زیر به احکام و شرایط معاونت در جرایم می‌پردازد. مطابق ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند.

(۱) هرکس که دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

(۲) هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا از طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

(۳) هرکس عالماً، عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره ۱: برای تحقق معاونت در جرم، وجود وحدت قصد و تقدم و یا تفاوت زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

تبصره ۲: در صورتی که برای معاونت در جرمی، مجازات خاص در قانون یا شرع وجود داشته باشد، همان مجازات اجرا خواهد شد.

اما درباره تاریخچه قوانین کشورهای دیگر، مقنن ایتالیا در ماده ۱۱۲ برای محرکین یک کیفیت مشدد اجباری قایل شده است. بعضی از قوانین خارجی محرکین را در مقوله مجرمین اصلی قرار داده است، از قبیل: قانون جزای اتریش، بند ۵ و قانون جزای ۱۸۶۴ سوئد و قانون جزای عهد بلژیک، ماده ۶۴ و قانون جزای ۱۸۹۶ بلغارستان.

بعضی دیگر از قوانین خارجی محرکین را طبقه خاص محسوب داشته‌اند و مجازات آنها را به همان اندازه شرکای در جرم تعیین کرده‌اند؛ از قبیل: قانون جزای ۱۸۷۱ اسپانیا، ماده ۱؛ قانون جزای ۱۸۷۵ شیلی، ماده ۱۴؛ قانون جزای ۱۹۲۶ ونزوئلا، ماده ۱۳۵.

قوانین جزای آلمان از بین معاونین جرم مستفید از تخفیف، محرکین را مجزا کرده و برای آنها مجازات شدیدی قایل شده است.

قانون ۱۹۳۰ ایتالیا (بخش جزایی) در ماده ۱۲ عمل تبهکارانه عده‌ای را که با هم همکاری کرده و جمعاً مرتکب جرم می‌شوند، یک کیفیت مشدده تلقی کرده است.

شرایط تحقق معاونت در جرم

بر مبنای تبصره ماده ۴۳ قانون جزای اسلامی: «برای تحقق معاونت در جرم، وجود وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی میان عمل معاون و مباشر جرم شرط است.» افزون بر این دو شرط، شرایط دیگری نیز وجود دارد:

۱- وحدت قصد

۲- تقدم و یا اقتران زمانی قصد بین عمل معاون و مباشر؛ پس وحدت قصد قبل از ارتکاب عمل مجرمانه و یا همزمان با آن عمل است. بنابراین اگر تهدید، تطمیع، تحریک، ترغیب، دسیسه، فریب، نیرنگ، تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم و تهیه راهها و یا تسهیل وقوع جرم بعد از عمل مجرم اصلی صورت گیرد، معاونت جرم تحقق پیدا نمی کند.

۳- وقوع جرم اصلی؛ شرط سوم این است که عمل مجرمانه در خارج تحقق پیدا کند. پس اگر مباشر فقط در مرحله قصد و یا در مرحله تهیه مقدماتی باشد که از نظر قانون جرم نباشد، معاونت در این امور جرم نیست، مگر اینکه قانون آن عمل را جرم جداگانه‌ای بداند که در این فرض از دایره مربوط به مقررات معاونت خارج است.

۴- جرم بودن اصل عمل: اینکه اصل عمل ارتكابی واقعاً جرم باشد. حال اگر اصل عمل جرم نباشد معاونت در آن هم جرم نخواهد بود؛ مثلاً اگر کسی شخص مهدورالدمی را به هلاکت برساند و یا افرادی او را در این امر کمک کنند، از آنجا که اصل عمل جرم نیست، معاونت در آن هم جرم تلقی نمی شود. اما اگر به نحوی از انحا مجرم اصلی تبرئه شود، نظیر گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا هر عاملی که موجب عدم مسئولیت کیفری او شود؛ مانند جنون، صغر سن، فوت و غیره، موجب عدم مسئولیت معاون یا معاونین نخواهد شد (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲ ج ۳: ۲۹۳).

در همین رابطه ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.»

۵- عدم دخالت در عملیات اجرایی: کسانی که در ارتکاب عمل مجرمانه تبانی کنند، اگر قانونگذار نفس عمل معاونین را جرم مستقلی نداند، در صورتی به جرم معاونت تعقیب می شوند که در عملیات اجرایی دخالت نداشته باشند.

۶. پیش‌بینی جهات معاونت در قانون: آخرین شرط این است که عمل معاونت در زمره مواردی باشد که در قانون پیش‌بینی شده است؛ نظیر تحریک، ترغیب، تطمیع و در صورتی که در قانون نباشد و خواسته باشند معاون را به جرم معاونت مؤاخذه و مجازات نمایند، با اصل مسلم و بدیهی قانونی بودن جرم منافات دارد که بحث تفصیلی آن در جای خود مذکور است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲ ج ۳: ۲۹۴).

آیا معاونت، جرم مستقل است یا غیر مستقل؟

به اعتقاد بعضی، معاونت، جرمی مستقل است و در باور برخی جرمی غیر مستقل است. اگر دیدگاه قانونگذار ایرانی در بند نخست ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی را مورد توجه قرار دهیم در می‌یابیم که قانونگذار معاونت را به عنوان جرم مستقلی نپذیرفته است. اما با توجه به تبصره ماده قانون یاد شده که وحدت هدف، قصد مباشر و معاون، همچنین تقدم و اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم را شرط صحت معاونت قرار داده است و در ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر داشته: در صورتی که مباشر جرم، به جهاتی قابل تعقیب یا مجازات نباشد و یا اینکه اجرای حکم به جهتی از جهات قانونی درباره او موقوف گردد، تأثیری در تعقیب و مجازات نخواهد داشت؛ در اینجا معاونت به عنوان جرم مستقل پذیرفته شده است.

در بخش «جرایم علیه اشخاص و اطفال» قانون تعزیرات تهیه و وسایل ارتکاب جرم یا ارائه طریق آن را به عنوان جرم مستقل پذیرفته است و معاون آن به جرم معاونت قابل مجازات است؛ مثلاً در ماده ۶۲۳ آمده است: «هرکس عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد، به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد». یا در ماده ۶۲۴ آمده است:

اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو یا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

در برخی موارد نیز اخفای اشیای مسروقه به عنوان جرم مستقل پذیرفته شده؛ چنان که در ماده ۶۶۲ قانون مورد اشاره آمده است:

هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده، آن را به نحوی از انحا تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد، به حبس از شش ماه تا سه سال و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده یا با داشتن شغل دیگری به این کار نیز اشتغال داشته باشد، دادگاه او را به دو سال حبس محکوم می‌نماید.

بنابراین قانونگذار ایرانی نه به نحو اطلاق، مستقل بودن آن را نفی کرده و نه مطلقاً آن را پذیرفته است، بلکه این معاونت بستگی به نوع جرم و شرایط تحقق آن دارد.

بررسی مصادیق معاونت در جرم از نظر حقوق جزا

۱- تحریک: تحریک در لغت به معنی «برانگیختن»، «به حرکت در آوردن» و «واداشتن» است و در اصطلاح حقوقی به معنای «توصیه و تشویق مجدانانه و تزریق افکار مجرمانه برای مصمم کردن دیگری برای ارتکاب جرم معینی» آمده است.

در قانون جزای فرانسه که قوانین برخی کشورها مانند مصر از آن اقتباس شده است، طی ماده ۶۰ مقرر می‌دارد: «افرادی که از طریق هدیه، وعده، تهدید، سوء استفاده از مقام یا قدرت، حيله و نیرنگهای مجرمانه، دیگری را به ارتکاب تحریک می‌کنند معاون جرم محسوب می‌شوند». قانونگذار در برخی موارد بی آنکه جرم واقع شود تحریک را قابل مجازات دانسته و مجازات معاونت را به خاطر اهمیت و خطر تحریک چه بسا بیشتر از مجازات مباشرین تعیین نموده است، که ذیلاً بعضی از معاونتهایی که حکم جرم دارند بیان می‌گردد.

۱- در ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات آمده:

هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرفنظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا ۵ سال حبس محکوم می‌گردد.

۲- در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات آمده:

افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف) کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند.

ب) کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

۲- ترغیب: ترغیب در لغت به معنای «مایل ساختن» و «به رغبت در آوردن» است (شرف‌الدین: ۴۱۰) و در اصطلاح کیفری به معنای ایجاد علاقه و سبب تمایل دیگری برای ارتکاب جرم است. پس می‌توان گفت: ترغیب تشدید میل به ارتکاب جرم در دیگری است که نوعی معاونت می‌باشد (ولیدی، ج ۳: ۳۷۳).

۳- تهدید: به معنای «ترساندن» است. از نظر حقوقی عبارت است از مجموعه اقدامات کتبی یا شفاهی که شخص به عمل می‌آورد تا دیگری را به خلاف میل خود وادار به ارتکاب جرم کند، به نحوی که اگر از آن امتناع ورزد، احتمال خطر جانی یا مالی یا افشای اسرار یا نسبت دادن اموری، که موجب هتک شرف می‌شود، برای شخص تهدید شده وجود دارد (شامیاتی ج ۱: ۱۰۴). اکراه در قالب تهدید از موارد رفع مسئولیت کیفری و معافیت از مجازات است. طبق ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی «در جرایم تعزیری هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه عادتاً غیر قابل تحمل مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد. در این مورد اکراه کننده به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد».

ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، ضمن نسخ ماده ۲۹ سال ۱۳۶۱ مقرر می‌دارد:

در جرایم موضوع مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد، مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می‌گردد.

در این حالت سبب عفو مباشر می‌شود و تهدید کننده مسئولیت دارد. اگره در قتل وضع استثنایی دارد. می‌توان گفت در اگره موضوع مواد ۲۹ و ۴۵ قوانین سابق و لاحق، مرتکب شونده فاقد رضا ولی قصد بوده است. در حالی که در تهدید موضوع مواد ۲۱ و ۴۳ همان قوانین، مرتکب در لحظه ارتکاب دارای قصد و رضا هر دو بوده است (گلدوزیان ج ۲: ۱۴۸).

بیان نظریه‌ها در خصوص مجازات معاونت در جرم

این نظریه‌ها به دو طریق پیشنهاد شده است:

- ۱- راه «وابستگی» نسبی است؛ یعنی مجازات معاون به نسبت مجازات جرم اصلی باشد.
 - ۲- مجازات او را مستقل می‌داند؛ یعنی حسب نوع و کیفیت معاونت برای هر معاونی مجازات مستقل تعیین شود (گلدوزیان ج ۲: ۱۴۸).
- مجازات معاونت در قانون جزای فرانسه و ایران:

ماده ۵۹ قانون جزای فرانسه مقرر می‌دارد: «معاونین جرم و یا جنبه به همان مجازاتی که برای مجرمین اصلی معین شده محکوم می‌گردند، مگر در مواردی که قانون طور دیگری مقرر داشته است».

در ماده ۴۰۱ قانون مجازات فرانسه آمده: «برای سرقت ساده حداقل یک سال و حداکثر پنج سال مجازات معین کرده که قاضی باید میزانی را که مطابق عدالت تشخیص می‌دهد برای مجرمین تعیین کند».

بنابر مفاد ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی - محکمه، در مورد معاونین مجرم، می‌تواند نظر به احوال قضیه و یا نظر به کیفیات، معاونین مجرم را به همان مجازاتی که برای شریک مجرم مقرر شده است محکوم نماید و یا مجازات را از یک تا دو درجه تخفیف دهد (زراعت: ۳۴۹).

در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی آمده: «اشخاص زیر معاون مجرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند».

مطابق این ماده، قاضی در تعیین مجازات مختار می‌باشد. (بر اساس دیدگاه مشهوری) در تبصره یک ماده ۲۶۹ قانون مجازات اسلامی آمده است: «مجازات معاون جرم موضوع این ماده سه ماه حبس تا یک سال است» (زراعت: ۳۴۱).

ماده ۷۱۰ قانون مجازات اسلامی معاونت در جرم، مجازات فاعل را مستقل می‌داند:

اشخاصی که در قمارخانه‌ها یا اماکن معد برای صرف مشروبات الکلی، موضوع مواد (۷۰۱) و (۷۰۵) قبول خدمت کنند، یا به نحوی از انحا به دایرکننده این قبیل اماکن کمک نمایند، معاون محسوب می‌شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون، مجازات را تخفیف دهد.

ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی حداقل مجازات را تعیین کرده است:

هرکس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود.

البته این مورد زمانی اعمال می‌شود که مجازات خاص و معینی برای معاون در قانون تعیین نشده باشد، و الا مثل تبصره ۲ ماده ۴۳ عمل می‌شود که مجازات معاون را به عهده دادگاه گذاشته است (زراعت: ۳۴۹).

در ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ آمده است: «مجازات معاونت در جنحه یا جنایت مجازات مباشرت در ارتکاب آن است، ولی دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال و میزان تأثیر عمل معاون، مجازات وی را تخفیف دهد».

ماده ۲۲ فصل ششم قانون مذکور، به این نکته توجه می‌دهد که هیچ ملازمه‌ای بین مجازات مباشر با مجازات معاون نیست، به این صورت که عقوبت و مؤاخذة معاون متوقف بر مجازات مباشر باشد. ممکن است به جهتی از جهات، قانون قرار موقوفی تعقیب مباشر صادر گردد، ولیکن تأثیری در حق معاون نداشته باشد یا به دلیل قانونی سلب مسئولیت کیفری بشود، اما معاون همچنان تحت پیگرد قانونی باشد (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲ ج ۳: ۲۹۵).

تعزیر نیز در ماده ۱۱ قانون اینگونه تعریف شده است: «تعزیرات، تأدیبات و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است، از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق که بایستی از مقدار حد، کمتر باشد» (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲ ج ۳: ۲۹۶ - ۲۹۵).

بررسی عناصر ضروری معاونت در جرم

معاونت در جرم شامل سه عنصر ضروری می‌شود که به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد:
عنصر قانونی: زمانی عنوان معاونت صدق می‌کند که موارد آن در قانون آمده باشد. همان‌طور که در جرم این عنصر نقش بسزایی در متهم کردن مرتکب و تعقیبات قانونی او دارد. در ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی در بند یک و دو و سه به آن اشاره شده است.

عنصر مادی: صرف قصد گناه و معصیت و جرم برای اثبات جرم کافی نیست، بلکه مجرم علاوه بر قصد، باید آن را به عرصه ظهور برساند.

عنصر روانی: هنگامی که شخص اراده ارتکاب آن عمل را داشته باشد؛ مثلاً در قتل عمد، قاتل باید عامد و قاصد باشد و همین امر (عنصر روانی) در عبادات، عقود، ایقاعات و در همه اعمال حقوقی نقش اصلی را ایفا می‌کند.

متذکر می‌گردم که در بحث فقهی نیز همین مطالب به چشم می‌خورد. در بحث عنصرو روانی، تفکیک جرایم عمدی از جرایم غیر عمدی ضروری است، چون در جرایم عمدی توافق و وحدت قصد قبلی بین مباشر و معاون او، امر طبیعی به نظر می‌رسد و بین حقوقدانان اختلافی نیست، اما در جرایم غیر عمدی به نظر برخی از حقوقدانان به دلیل فقدان قصد و توافق قبلی، معاونت در جرم مورد پیدا نمی‌کند.

قانونگذار ایرانی درباره عنصر روانی در جرایم عمدی، اظهار می‌دارد که هرکس با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا از طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد؛ یعنی وجود قصد مجرمانه یا سوء نیت معاون جرم را از شرایط معاونت قابل مجازات در جرایم می‌داند. به عبارت دیگر، معاون باید با علم و اطلاع و عالماً و عامداً (در بند سوم ماده ۴۳) یکی از موارد پیش بینی شده در قانون را انجام دهد تا قابل مجازات باشد. بنابراین اگر کسی اسلحه شکاری را به قصد سیر و سیاحت و شکار مجاز در اختیار دیگری قرار دهد، و او با این وسیله فردی را به قتل برساند، از آنجایی که قصد مجرمانه ای در کار نبوده، صاحب اسلحه قابل مجازات نیست. پس باید میان مباشر و معاون، وحدت در انجام جرم باشد و این وحدت یا باید مقارن با انجام عمل ارتكابی، و یا مقدم بر آن باشد. بنابراین اگر بعد از ارتکاب جرم این وحدت حاصل آید، معاونت صدق نمی‌کند.

در جرایم غیر عمدی ممکن است گفته شود شخص مباشر اصلی فاقد قصد مجرمانه است، پس به طریق اولی معاون جرم نمی‌تواند در رفتار و کردار خود به عنوان معاون در جرم قاصد باشد (موسوی بجنوردی ۱۳۸۲ ج ۳: ۲۸۵ - ۲۸۴).

شرایط تحقق جرم

تهیه وسایل ارتکاب جرم

بند ۲ ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی، کسی را که با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه می‌کرد، معاون می‌شناخت و علم و اطلاع، شرط لازم برای تحقق معاونت در جرم از طریق تهیه وسایل ارتکاب جرم بود. بند ۲ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰، به جای علم و اطلاع به علم و عمد توجه کرده و مقرر می‌دارد: «هرکس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند معاون جرم محسوب می‌شود». منظور از علم و عمد که تهیه وسایل به قصد و به منظور کاربرد آن در فعلی مجرمانه صورت پذیرفته باشد؛ یعنی رسیدن به نتیجه مجرمانه که در زمان تهیه وسایل، خواست معاون جرم می‌باشد. وسایل ارتکاب جرم می‌تواند از اموال منقول مثل اسلحه یا غیر منقول مثل مکانی برای بازداشت غیر قانونی باشد.

تهیه مکان برای ارتکاب جرم

ماده ۵۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات بعد از بیان کیفرآمورینی که مبادرت به توقیف و حبس غیر قانونی یا مخفی کردن به عنف اشخاص می‌نماید، مقرر می‌دارد:

کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

همین‌طور است در مورد کسی که اتافی را برای انجام عمل سقط جنین غیر مجاز در اختیار ساقط‌کننده جنین بگذارد (زراعت: ۳۳۸ - ۳۳۷).

معاونت در جرم از طریق ساختن وسایل

طبق ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی:

هر کس عالمًا عاملاً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در معاونت از طریق تهیه وسایل لازم نیست که روابط مستقیم و فوری بین مجرم اصلی و معاون وجود داشته باشد. کسی که اطلاعات لازمه یا وسایل ارتکاب جنایت را به مجرم اصلی می‌دهد؛ ممکن است آن را از شخص ثالثی کسب کند. شخص ثالث هم اگر به جریان کار واقف باشد، معاون تلقی می‌شود و در نتیجه معاون را هم می‌توان مجرم تلقی کرد (علی‌آبادی ج ۱: ۲۷۱).

معاونت در ارائه طریق ارتکاب جرم

مقصود از ارائه طریق عبارت است از ارشاد، راهنمایی و ارائه راه و روش ارتکاب جرم. در اینجا راهنمایی و ارائه طریق، نوعی مساعدت معنوی است و شامل هر نوع اطلاعاتی است که به نحوی از انحا مباشر را بر نحوه ارتکاب جرم یا بر وسایل و ادوات آن یا بر نحوه استفاده از وسایل مزبور آگاه می‌سازد. برای مثال، در جرم سرقت آگاه نمودن سارق از محل وجود اموال مورد نظر یا نحوه ورود به منزل، کیفیت باز کردن قفلها و... یا در جرم قتل، آگاه نمودن مجرم از محل استراحت مجنی علیه یا مساعدت در مسیر حرکت او و غیره می‌تواند ارائه طریق محسوب شود. این عمل اصولاً قبل از وقوع جرم انجام می‌شود و همچنان می‌تواند شفاهی یا کتبی یا عملی و یا از طریق ایما و اشاره صورت گیرد. البته باید تعلیمات برای ارتکاب جرم روشن و معلوم باشد. لذا تعلیمات مبهم، معاونت محسوب نمی‌شود. دیگر اینکه علم و آگاهی از عمل ارتکاب به جرم داشته باشد، ارشادات او مؤثر بوده و بتواند مجرم را یاری کند.

بررسی رابطه معاونت با شرکت و تسبیب در جرم

تفاوت معاونت و شرکت در جرم

معاونت در جرم زمانی قابل مجازات است که جرم اصلی از جانب مباشر در قانون مجازات اسلامی ماده ۴۳ به عنوان جرم شناخته شده باشد. معاونت در جرم از مرحله فکر و تصمیم آغاز می‌شود و تا

مرحله تهیه مقدمات پیش رفته و هیچ گاه از این مرحله فراتر نمی‌رود، در حالی که شرکت در جرم از آغاز تا پایان جرم ادامه می‌یابد (ولیدی: ۶۹).

مجازات معاونت در جرم صرفاً تعزیری است مگر در یک مورد قیادت، که حدود است، ولی در شریک جرم مجازات به صورت حدود و دیات است که در نص شارع مقدس ذکر شده و غیرقابل تغییر است (عوده ج ۲: ۲۵۸).

معاونت در جرم جنبه فرعی و تبعی دارد، در حالی که شرکت در جرم جنبه اصلی و استقلالی دارد؛ مثل اینکه در بعضی از کشورها خودکشی جرم نیست و کسی که معاونت در خودکشی کسی کند، مجرم شناخته نمی‌شود (صانعی ج ۲: ۸۴).

اما در شرکت در جرم، مسئولیت هر شریک جرم، مستقلاً تحقق پیدا می‌کند. عمل معاونت صرفاً ایجابی است و اصولاً ترک فعل «فعل سببی» موجب تحقق عنوان معاونت نمی‌گردد ولی شرکت در جرم با ارتکاب عمل سلبی یا منفی نیز ممکن‌الصدور است؛ مثلاً دو نفر به طور مشترک متصدی اجرای امری باشند به نحوی که آن را با یکدیگر انجام دهند. اگر هر دو از اجرای وظیفه امتناع نموده یا با ترک فعل موجب وقوع جرم شوند، شریک در جرم خواهند بود.

میان معاون و مباشر وحدت قصد لازم است؛ مثلاً اگر معاون تفنگ شکاری را به شخصی دهد برای شکار و او با آن، شخصی را بکشد، در اینجا معاون مقصر نیست و مجرم شناخته نمی‌شود. در صورتی که برای تحقق شرکت در جرم، همچنان که قبلاً بیان شد، صرف قصد مجرمانه کافی است و لزومی ندارد اراده و قصد شرکا با یکدیگر تلاقی نموده و با همدیگر وحدت داشته باشند.

مجازات معاون به مراتب خفیف‌تر از مجازات مباشر و شرکای جرم تعیین گردیده و قاضی اختیارات تامی در تعیین این مجازات دارد که از نصیحت و وعظ شروع، و به انواع مجازاتهای تعزیری ختم می‌شود. در تبصره ۲ ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی آمده: «معاون در سرقت، موضوع ماده ۱۹۸ این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم می‌شود».

در ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی آمده است: پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد یا شریک قتل او شود، قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول محکوم و تعزیر می‌شود، ولی چنانچه معاونت در قتل نموده باشد، به موجب ماده ۲۰۷ همان قانون به سه تا پانزده سال حبس محکوم می‌گردد.

همچنین اگر سارق، پدر صاحب مال باشد، به حد محکوم نمی‌شود (بند ۱۱ از ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی). ولی اگر پدر در سرقت، معاونت کند، به یک سال تا سه سال حبس محکوم می‌شود (تبصره ۲ ماده ۲۰۱ قانون).

وجوه افتراق و اشتراک معاونت و تسبیب در جرم

معنای لغوی و اصطلاحی تسبیب

معنای لغوی تسبیب از ماده «سبب» به معنای «رسن» و هر چه بدان به دیگری پیوسته شود می‌باشد، و در اصطلاح حکما چیزی را گویند که فی نفسه موجود باشد و از آن وجود دیگری حاصل شود یعنی چیزی که وسیله حصول چیزی دیگر باشد. در اصطلاح فقهی سبب عبارت از چیزی است که اگر آن نبود شیء حاصل و تلف نمی‌شد. علامه حلی می‌گوید: تسبیب عبارت است از هر چیزی که تلف به وسیله آن حاصل شود، به نحوی که اگر سبب نبود علت تأثیری نداشت. تسبیب در جنایت مراتبی دارد، مثل اینکه خود جانی در سبب تنها باشد، یا اینکه مجنی علیه را در داخل آتش بیندازد، و یا همراه جانی سبب دیگری نیز که حیوان باشد اضافه گردد و یا به همراه جانی انسان دیگر به عنوان سبب دیگر اضافه گردد.

تعریف سبب جرم در فقه

تسبیب عبارت است از انجام دادن یا ترک فعلی که در ایجاد صدمه یا وارد کردن زیان به طور مستقیم نقش مؤثری داشته باشد، به نحوی که اگر آن سبب نباشد، آن جرم نیز واقع نشود.

وجوه اشتراک تسبیب و معاونت

در ارتکاب جرایمی که یک یا چند نفر مباشر اصلی جرم را کمک و مساعدت می‌کنند، امکان اجتماع و انطباق مفهوم معاونت و تسبیب در جرم درپاره‌ای از اوقات قابل تصور و تحقق است و آن ناظر به اعمالی است که به لحاظ قانونی از مصادیق معاونت و از نظر فقهی با مفهوم سبب فاعلی قابل انطباق باشد؛ زیرا مفهوم سبب فاعلی در فقه زمانی تحقق پیدا می‌کند که شخص، دیگری را که قصد ارتکاب جرمی را دارد، با انجام کاری مساعدت کند و با تهیه مقدمات زمینه حصول وقوع جرم را فراهم آورد.

وجوه افتراق معاونت و تسبیب در جرم

۱- در قلمرو مفهوم و مصداق: این دو در قلمرو مفهوم و مصداق با هم فرق دارند؛ زیرا مفهوم تسبیب در جرم در فقه به معانی مختلفی استعمال می‌شود و گاهی به معنی مصدری و ناظر به انجام دادن کاری است که در حصول نتیجه مجرمانه تأثیر دارد و در این مورد مفهوم سبب به اعتبار حصول مستقیم نتیجه جرم از نتیجه مسبب، تسبیب در جرم به معنی سبب مصدری محسوب می‌شود؛ مانند اینکه کسی در معبری چاهی حفر کند و دیگری شخص ثالثی را در آن چاه هل دهد و منتهی به مرگ مجنی علیه گردد. ولی گاهی سبب در نقش واسطه و با اطلاع از مقصد مجرمانه دیگری با انجام کاری به طور غیر مستقیم زمینه ارتکاب جرمی را فراهم می‌کند. بدین لحاظ مسبب فعلی را که دیگری مباشر آن است، «سبب فاعلی» می‌نامند که با مفهوم معاونت در جرم منطبق می‌شود.

۲- از نظر عنصر روانی: از لحاظ عنصر روانی نیز بین ماهیت حقوقی معاونت با تسبیب در جرم تفاوت‌هایی وجود دارد؛ زیرا برای تحقق معاونت، وجود توافق و همدلی بین مجرم اصلی و معاون در خصوص جرمی که از ناحیه مجرم اصلی صورت می‌گیرد، ضرورت دارد؛ یعنی معاون باید عالماً و عامداً مجرم اصلی را در ارتکاب جرم کمک و یاری کند و بین آنها همدلی و وحدت قصد وجود داشته باشد و این وحدت باید قبل از ارتکاب جرم و یا در حین آن موجود باشد.

ولی در مورد تسبیب در جرم ممکن است شخص، مسبب وقوع جرمی شناخته شود. هر چند برای ارتکاب جرم با دیگری همدلی و توافق نکرده باشد، بلکه همین اندازه که با اقدام خود زمینه وقوع جرم را به طور غیر مستقیم فراهم می‌کند جرم به او نسبت داده می‌شود، هر چند قصد حصول آن نتیجه مجرمانه را هم نداشته باشد. مانند اینکه کسی بی‌آنکه قصد ایراد صدمه نسبت به جسم و جان دیگری را داشته باشد، در معبر عمومی، چاهی حفر کند و از گذاردن علائم بازدارنده در کنار چاه خودداری کند و مسبب وقوع جرمی شود؛ به علت بی‌مبالاتی یا از باب عدوان، جرم به او نسبت داده می‌شود و قابل تعقیب کیفری است. اما اگر پس از حفر چاه به فرض شخص دیگری کودکی را در چاه بیندازد و منتهی به مرگ وی شود، در این حالت حفرکننده چاه چون با مباشر همدلی نداشته و وحدت قصد برای کشتن دیگری نکرده است، اقدام او در حفر چاه به دلیل عدم توافق قبلی و فقدان وحدت قصد با مباشر قتل، معاونت محسوب نمی‌شود.

وجوه افتراق و اشتراک از نظر مجازات

مجازات معاون جرم با توجه به حکم ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، جز در مواردی که در قانون و برای معاونت در ارتکاب جرم به عنوان جرم مستقل مجازات مقرر شده است، در سایر موارد بستگی به نظر دادگاه دارد که با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم، مجازات تعزیری از شلاق، مادون حد، جزای نقدی و حبس در نظر گرفته است. در حالی که در تسبیب در جنایت بجز در مواردی که مرتکب تسبیب عمدتاً موجبات قتل یا جراحات اعضای دیگر را فراهم کند در سایر موارد - یعنی در جرایم شبه عمد و خطای محض - پرداخت دیه است که بر حسب مورد ممکن است دیه معین و یا دیه به صورت ارش جزای مورد حکم قرار خواهد گرفت (ولیدی، ج ۳: ۳۶۶-۳۶۵).

تحقق معاونت در جرم

تحقق معاونت در جرم اصولاً وابسته به وجود مباشر و تابع جرمی است که عملیات مادی آن به وسیله دیگری به انجام رسیده است. به علاوه، چنانچه در یک حادثه، مباشر اصلی جرم به دلایل قانونی غیر قابل مجازات باشد، معاون او نیز قابل کیفر نیست. ولی در تسبیب، کسی که به واسطه استفاده از شخص نا بالغ یا دیوانه یا حیوان سبب مرگ دیگری شود، از نظر حقوق کیفری اسلام، بدون توجه به عدم قابلیت انتساب جرم به مباشر اصلی آن، از لحاظ جزایی مسئول و قابل مجازات خواهد بود و به هیچ وجه نیازی به طرح عنوان معاونت در بین نیست؛ بلکه تنها به عنوان تسبیب در جرم مسبب آن قابل مجازات خواهد بود. به همین مناسبت در حقوق کیفری اسلام، هرگاه کسی به طور غیر مستقیم سبب جرمی شود، عدم قابلیت انتساب جرم به مباشر اصلی آن رافع مسئولیت کیفری او نخواهد شد.

جمع مباشر و سبب

در جمع شدن اسباب ضامن، هرگاه اتفاق بیفتد مباشر و سبب، مباشر ضامن است، مثل اندازنده در چاه با کننده آن، و نگاهدارنده کسی با ذبح کننده آن کس، و گذارنده سنگ در کفه منجنيق با کشنده منجنيق، یعنی کشنده آن ضامن است.

اگر مباشر جاهل باشد سبب ضامن است؛ مثلاً شخصی چاهی در زمینی که ملک غیر است کنده و سر آن را پوشانده است و کس دیگر، سومی را در چاه بیندازد و نداند که در آنجا چاه است. پس کننده چاه ضامن است (محقق حلی ۱۴۰۲ ج ۴: ۱۹۸۹-۱۹۸۸).

اگر یکی کسی را نگه دارد و شخص دیگری او را بکشد، قصاص برکشنده است؛ ولیکن نگهدارنده محکوم به حبس ابد می‌شود و اگر سومی نگهدارنده را بکشد، ضامن نیست، لیکن دو چشمش به وسیله میله آهن گرم کور می‌شود (محقق حلی ۱۴۰۲ ج ۴: ۱۹۱۳).

معاونت در معاملات نامشروع در فقه و حقوق

دلایل معاونت در معاملات حرام در فقه

در فقه امامیه نه تنها برخی از معاملات حرام است، که کمک کردن به انجام چنین معاملاتی نیز حرام است. برای مثال، بیع انگور جهت تهیه شراب، به این دلیل که کمک به گناه است به استناد ادله حرام است. مدارکی که بنابر آن کمک کردن به معامله حرام، حرام است، عبارت است از:

کتاب: آیه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»: در گناه و ظلم و دشمنی همدیگر را یاری نکنید. پس نتیجه می‌گیریم اگر معامله‌ای حرام باشد، کمک کردن در آن معامله هم حرام است.

روایات: در اینجا به سه روایت استناد می‌شود:

روایت اول روایت امام رضا^(ع) است که در قسمت اول مبحث روایات ذکر شد.

روایت دوم: در **دعائم الاسلام** از امام صادق^(ع) نقل شده که بیعهای حلال هر آن چیزی است که حلال شمرده شده و قوام مردمان بدان بوده، بهره‌وری از آن مباح می‌باشد، و هر آنچه اصلش حرام و مورد نهی قرار گرفته باشد، خرید و فروشش جایز نیست.^۱

روایت سوم: روایت نبوی مشهوری است که خدا هر گاه چیزی را حرام کرد، بهای آن را نیز حرام خواهد نمود^۲ (انصاری ۱۳۷۴ ج ۱: ۸).

۱. و عن دعائم الاسلام للقاضی نعمان المصری: عن مولانا الصادق^(ع): انّ الحلال من البیوع کما کان حلالاً من المأکول والمشروب و غیر ذلک، ممّا هو قوام للنّاس و یباح لهم الانتفاع و ما کان محرماً اصله منهباً عنه لم یجز بیعه و لاشراؤه، انتهى.

۲. و فی النبوی المشهور: انّ الله إذا حرّم شیئاً حرّم ثمنه.

اجماع: فقها بر حرمت خرید و فروش خمر، شرب و تهیه مقدمات اسباب آن، اجماع کرده‌اند. شیخ انصاری می‌فرماید: کسی که انگور را بفروشد تا از آن شراب درست کنند، یا آن را در اختیار دیگران بگذارد، یا منزل خود را اجاره دهد تا در آن شراب بسازند یا انبار خود را اجاره دهد تا در آن شراب را نگهداری کنند یا کشتی خود را اجاره دهد تا با آن شراب حمل کنند، نه تنها معامله آن فاسد است، بلکه حرمت آن نیز به اجماع فقها باطل و حرام می‌باشد^۱ (انصاری ۱۳۷۴ ج ۱: ۴۵؛ جزایری ج ۳: ۲۲۳).

معاونت در معاملات نامشروع در فقه

در فقه امامیه، بیع انگور جهت تهیه شراب به استناد آیه (و لاتعاونوا...) کمک به گناه محسوب شده و بنابر احادیث معتبر فقهی، حرام و معامله آن باطل است. به نظر عده‌ای از فقها معامله در صورتی باطل است که استفاده نامشروع به صورت شرط یا مبنای عقد مورد لحاظ طرفین معامله قرار گیرد و در صورتی که صرفاً به عنوان داعی و هدف دانسته یا بیان شود، معامله صحیح و فقط مکروه خواهد بود (نجفی ۱۹۱۸ م ج ۸: ۱۹؛ حسینی عاملی ج ۴: ۳۷؛ انصاری ۱۳۷۴ ج ۱: ۴۵).
به طوری که ملاحظه می‌شود، در فقه امامیه جهت عقد مورد توجه قرار گرفته و علت عقد یا علت تعهد، در معنی مستقیم آن، مورد بحث واقع نشده است.

الف) تعریف جهت معامله

جهت معامله همان هدف و انگیزه غیر مستقیم و بدون واسطه معامله است. مثلاً در فروش یک دستگاه اتومبیل، جهت معامله نزد فروشنده ممکن است مثلاً خریدن اتومبیل یا اجاره دادن آن و یا یک جهت نامشروع مثلاً برای حمل و نقل و قاچاق مواد مخدر باشد.

ب) تعریف علت معامله

مثلاً در فروش یک دستگاه اتومبیل به مبلغ پنجاه میلیون ریال، علت معامله در نزد فروشنده، به دست آوردن مبلغ پنجاه میلیون ریال است و در نزد خریدار به دست آوردن مالکیت اتومبیل است.

۱ بیع العنب علی ان يعمل خمرًا... و اجارة المساكن لیباع او یحرز فیها الخمر، و کذا اجارة السفن و الحموله لحملها و لاشکال فی فساد المعاملة فضلاً عن حرمتها و لاخلاف فیها.

در ماده ۲۱۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و الا معامله باطل است».

در ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران مشروعیت جهت معامله را یکی از شرایط اساسی صحت معامله شمرده است. در این ماده شرط را بیان کرده است.

پس نتیجه می‌گیریم که مثلاً هرگاه انگیزه خریدار خانه، در زمان انشای عقد، اختصاص دادن آن مکان بر انجام قمار یا روابط نامشروع باشد، در صورتی که انگیزه را ابراز نکند، معامله خانه صحیح است، ولی اگر آن را بیان کند، این معامله باطل است.

ج) اثر جهت نامشروع در عقد

جهت یا انگیزه تشکیل عقد گاهی با نظم عمومی تعارض پیدا می‌کند. در این صورت اعتبار بخشیدن به عمل حقوقی مزبور از سوی قانون - که خود پاسدار نظم جامعه است - به منظور فراهم کردن زمینه پیدایش اختلال در نظم است. مثلاً معتبر و لازم الاجرا شناختن عقد بیع یک ساختمان، که انگیزه خریدار آن تأسیس قمارخانه یا مکان فساد در آن باشد، گونه‌ای کمک به خریدار برای دستیابی به این انگیزه غیرقانونی و در نتیجه اقدام بر ضد هدفی است که قانون برای تأمین آن وضع گردیده است؛ اگرچه اجرای انگیزه مزبور خود عملی مجرمانه و قابل مجازات است. به همین دلیل قانون مدنی در ماده ۲۱۷، وجود انگیزه نامشروع را در طرف معامله، در صورتی که بدان تصریح شود، سبب بطلان معامله اعلام کرده است.

د) ارتباط جهت با معامله

جهت، خارج از ارکان معامله است. جهت، صرفاً انگیزه با واسطه تشکیل عقد است و برخلاف عقیده برخی از نویسندگان معاصر (کاتوزیان ج ۲: ۴۳۸) جهت، متعلق به قصد طرفین یا تراضی ایشان مقید به تراضی ایشان نیست، هر چند ممکن است سبب رضایت طرفی باشد که انگیزه مزبور در او وجود دارد. زیرا، آنچه یک طرف را بر تشکیل عقد بر می‌انگیزد، تأثیری در طرف دیگر عقد ندارد و منشأ حصول رضایت او نیست و دسترسی به جهت، و عدم آن برای طرف دیگر عقد، یکسان است. بنابراین، هرگز صحیح نیست که گفته شود، رضایت طرف دیگر عقد با تراضی طرفین مقید به جهتی است که در طرف نخست عقد وجود دارد. گاهی ممکن است، جهت معامله

طرف دارای جهت نامشروع، حتی برای طرف دیگر نامطلوب باشد، منتهی دسترسی به مورد عقد او را وادار به قبول معامله با وجود انگیزه مزبور در طرف نخست عقد می‌کند. باید دانست منظور از تقید رضایت یا تراضی نسبت به جهت، این است که در صورت فقدان جهت، رضایت طرف دیگر عقد، یا رضایت طرفین منتهی باشد.

در نتیجه، آنچه عقد را باطل می‌کند، صرفاً وجود جهت نامشروع در یکی از دو طرف عقد است، هر چند که این جهت نسبت به طرف دیگر عقد امری نامطلوب باشد. همچنین جهت معامله را نمی‌توان جزء یا قید موضوع عقد دانست. زیرا موضوع عقد، مورد تحقق اثر حقوقی عقد است و جهت عقد، امری خارج از آن است. بنابراین موضوع نامشروع را نباید با جهت نامشروع اشتباه کرد.

جهت نامشروع در قانون فرانسه و تطبیق آن با قانون ایران

نویسندگان قانون مدنی ایران، شرط کردن مشروعیت جهت معامله را در ماده ۱۹۰ از ماده ۱۱۰۸ قانون مجازات فرانسه و مقررات ماده ۲۱۷ را از محتویات مواد ۱۱۳۱ قانون مجازات فرانسه با رعایت مبانی فقهی مربوط و نیز با انجام تغییراتی اقتباس کرده‌اند.

ماده ۱۱۳۱ قانون مجازات فرانسه اعلام می‌دارد: «تعهد [= قرارداد] بدون سبب یا مبتنی بر یک سبب نامشروع نمی‌تواند هیچ‌گونه اثری داشته باشد».

در قانون فرانسه واژه «سبب» آمده که منظور همان «جهت» در قانون ایران است. در قانون مدنی فرانسه عقود را که انگیزه تشکیل آن نامشروع یا غیراخلاقی باشد، باطل اعلام می‌کند.

اما برای حکم به بطلان قراردادی که یکی از دو طرف آن دارای جهت نامشروع است، اطلاع طرف دیگر قرارداد را از انگیزه نامشروع موجود در طرف نخست، در عقود غیر رایگان لازم می‌داند: اطلاع طرف قرارداد از انگیزه نامشروع طرف دیگر از آن جهت لازم دانسته شده است که در صورت بطلان قرارداد، خطر عدم امکان استرداد مالی را که طرف بی‌اطلاع از این انگیزه، به طرف دارای انگیزه نامشروع داده است، منتهی سازد. اما عدم اطلاع انگیزه نامشروع مانع بطلان عقد رایگان نیست.

بنابراین، در حقوق فرانسه برخلاف حقوق ایران، تصریح به انگیزه نامشروع برای بطلان معامله لازم نیست و وجود واقعی انگیزه نامشروع، حتی اگرچه طرف قرارداد از آن با خبر نباشد، جز در مواردی که طرف بی اطلاع خوانده مورد دعوی بطلان قرار گیرد، برای بطلان عقد کافی است.

شرایط تأثیر جهت نامشروع

الف) وجود واقعی انگیزه نامشروع در یکی از دو طرف

منظور از نامشروع بودن جهت، تضاد آن با مقررات باز دارنده قانونی است؛ خواه مقررات مزبور مجازاتی برای مرتکب عمل موضوع جهت تعیین کرده باشد، یا اینکه ارتکاب آن عمل، صرفاً با مقررات و روح قانون، نامساعد باشد. پس باید جهت مخالف با اخلاق حسنه یا نظم عمومی باشد. طبق ماده ۹۷۵ قانون مدنی:

محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

در ماده ۱۳۳ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد: «علت در صورتی نامشروع است که به وسیله قانون منع شده، در صورتی که مخالف اخلاق حسنه یا نظم عمومی باشد».

ب) بی واسطه بودن انگیزه نامشروع

ممکن است اشخاص در انجام عملی سلسله‌ای از انگیزه‌ها در طول هم داشته باشند، که هر یک از آنها واسطه‌ای برای دستیابی به انگیزه بعدی باشد؛ که اگر اینگونه باشد معامله را باطل نمی‌کند.

ج) باز بودن جهت نامشروع

ممکن است شخص در تشکیل قراردادی انگیزه‌های متعددی در عرض یکدیگر داشته باشد؛ مثلاً خانه‌ای را برای سکونت اجاره کند و در آن هم تدریس و هم جلسات قمار دایر کند، که انگیزه ثانوی و فرعی او باشد. در این صورت عقد اجاره را به جهت ثانوی نامشروع نمی‌توان باطل کرد. زیرا دلیلی قانونی بر تأثیر انگیزه فرعی نامشروع وجود ندارد.

د) تصریح به جهت نامشروع

به هنگام عقد معامله این انگیزه نامشروع باید مورد تصریح قرار بگیرد و الا معامله صحیح است، هر چند نیت معامله کننده واقعاً رسیدن به انگیزه مزبور باشد.

ه) هم زمان بودن تصریح به جهت نامشروع با انشای عقد

در برخورد نخست با ماده ۲۱۷ قانون مدنی «در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد، باید مشروع باشد و الاً معامله باطل است». ابهام از عبارت «در معامله» افاده نمی کند که منظور از ذکر جهت در معامله چیست؛ ذکر جهت در ضمن ایجاب و قبول معامله است، یا در هنگام مذاکرات مقدماتی که معمولاً پیش از ایجاب و قبول انجام می شود یا بعد از انجام عقد است. پاسخ این است که جهت نامشروع در صورتی عقد را باطل می کند که یا ضمن ایجاب و قبول درج شود، یا اینکه مدت زمان کوتاهی پیش از انشای عقد تصریح شود؛ به نحوی که ارتباط جهت مزبور با عقد مورد توجه طرفین به هنگام تشکیل عقد باشد (شهبیدی ج ۱: ۳۴۵-۳۳۳).

مصادیق معاونت در گناه در معاملات و وجوهات شرعی

معاونت بر گناه از طریق صناعات

خداوند صناعاتی را که تماماً استفاده حرام از آن برده می شود و جز فساد محض چیزی از آن عاید نمی شود، تحریم نموده است و همچنین آنچه مقدمه فساد بوده و در خود آن نیز فساد باشد، حرام است. پس اخذ عمل به آن و اخذ اجرت بر آن، و جمیع تصرفات در آن، از هر گونه که باشد حرام است.

اگر صنعتی باشد که گاهی در جهت منافع و گاهی در جهت حرام استفاده شود، فقط بر کسی حرام است که در غیر راه حق عمل کند (انصاری ۱۳۷۴ ج ۱: ۷).

اگر صنعتی ساخته شود که بدین ابزار برای وجوه فساد و وجوه معاصی استعانت بشود و کمک به حق و باطل هر دو باشد، عیبی و گناهی در ساختن و آموختنش نیست؛ نظیر نویسندگی که به وجهی از وجوه فساد مانند تقویت و کمک کار گزاران حکومتهای ناحق به کار می رود، و همچنین ساختن کارد و شمشیر و نیزه و کمان و جز آنها که بسا در جهات صلاح و بسا در جهات فساد

بکار روند، و کمک برای هر دو باشند که باکی نیست در آموختن و آموزش و مزد گرفتن بر آن و کردار بدان و در آن برای کسی که در جهات صلاح باشد از همه خلایق و بر همه حرام است که آن را در جهت فساد و زیان به کار برند و بر استاد و شاگرد این صنایع گناه و مسئولیتی نیست؛ زیرا، در آن رجحان نسبت به منافع جهات صلاح وجود دارد. همانا گناه بر کسی است که آن را در وجوه فساد و حرام مصرف می‌کند.

همانا خداوند حرام کرده صنعتی را که همه‌اش حرام کاری است، و محض فساد از آن پدید می‌آید، نظیر تارسازی و نی، حرام و آنچه فساد محض از آن است و در آن است و هیچ صلاحی در آن نیست و از آن بدست نیاید، که حرام است آموختن و یاد گرفتن و عمل بدان، و مزد ستاندن بر آن و هر گونه زیر و رو کردنش از جمیع وجوه حرکات در آن حرام است (حرانی ۱۳۸۰: ۳۲۵).

معاونت در معاملات حرام از طریق اجاره و اجیر شدن

اگر مسکنی را اجاره دهد تا در آن خمر درست کنند یا دکانی را اجاره دهد تا آلات محرمه در آن بسازند، یا اجیر شود تا برای مستأجر خمر حمل کند، اجاره منعقد نمی‌شود و چه بسا گفته شده که اجاره منعقد می‌شود ولی حرام است (محقق حلی ۱۴۰۲ ج ۱: ۴۲۱).

اگر کنیزی را اجاره دهد تا برای مستأجر ترانه بخواند، یا کاتبی را اجاره دهد تا کتب ضاله و کفر آمیز و منحرف کننده بنویسد، اجاره منعقد نمی‌شود (نجفی ۱۹۸۱ ج ۲۷: ۳۰۷).

اگر کسی برای حمل چیزهای حرام، یا ساخت وسایل حرام یا حفظ و نگهداری آن، یا ویرانی مسجد به منظور ضرر بر اسلام و مسلمین، اجیر شود، این اجاره حرام است. اگر برای چیزی از عمل حرام، یا بعضی از مقدمات حرام اجیر شود، حرام است (حرانی ۱۳۸۰: ۹).

اجاره دادن مسکن‌ها به منظور آن که شراب در آن فروخته و نگهداری

شود، یا بعضی از چیزهای حرام در آن ساخته شود، حرام است. و اجاره

کشتی‌ها یا حیوانات باربر جهت حمل شراب و مانند آن... حرام است (امام

خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۵۶۴).

استخدام مسلمانها در مؤسسات کلیمها جایز نیست و حقوق یا اجرت آنها حرام است و در

مورد شک هم در این مؤسسات وارد نشوند.

در دیداری، شخصاً از حضرت امام خمینی^(س) به طور شفاهی پرسیدم: «شخصی در یکی از شرکتها رانندگی می‌کند و گاهی از اوقات بعضی از رؤسا و افراد خارجی را که مشروب می‌خورند یا گناه دیگری مرتکب می‌شوند، مجبور است با ماشین حمل کند؛ تکلیف چیست؟ حضرت امام خمینی^(س) جواب فرمودند: ادامه کار اشکال ندارد، ولی از حمل افراد برای بردن به مراکز فساد و ارتکاب گناه خودداری کند و اگر خودداری میسر نیست، از ادامه کار خودداری کند.»

والحمد لله رب العالمین

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور. (۱۴۱۲). *لسان العرب*. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). *ترجمه تحریر الوسیله*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ . (۱۳۸۱). *مکاسب المحرمه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۳۷۴). *مکاسب*. ۳ جلد، چاپ سوم، انتشارات دهقانی (اسماعیلیان).
- جر، خلیل. (۱۳۷۵). *فرهنگ لاروس*. ترجمه سید حمید طیبیان. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- جزایری، شیخ احمد. *قلاند الدر فی بیان الاحکام بالاثر*.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۶۸). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه نشر دانش.
- حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۰ ق). *تحف العقول*. نجف: نشر المکتبه الحیدریه.
- حسینی عاملی، سید محمدجواد. *مفتاح الکرامه*. بیروت: مؤسسه مفید.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۳۷۷ ق). *مصباح الفقاهه*. چاپ نجف.
- راغب اصفهانی. *مفردات الفاظ قرآن*.
- زراعت. *شرح قانون مجازات اسلامی*.
- شامبیاتی. *حقوق جزای اختصاصی*.
- شرف‌الدین. *غیاب اللغات*.
- شرتونی لبنانی، سعید خوری. (۱۳۷۴). *اقرب الموارد*. چاپ اول. دارالاسوة للطباعة و النشر.
- شهیدی، مهدی. *حقوق مانی*. (تشکیل قراردادها و تعهدات).
- صانعی. *حقوق جزای عمومی*.

- صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم. *منتهی الارب فی لئمة العرب*. انتشارات کتابخانه سنایی.
- طبرسی. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ق). *مبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: نشر المکتبه المرتضویه.
- علی آبادی. *حقوق جنایی*.
- عوده، عبدالقادر. *تشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی*.
- فاضل لنکرانی. *قواعد الفقهیه*.
- قریشی. *قاموس القرآن*.
- کاتوزیان، ناصر. *قواعد عمومی قراردادها*.
- گلدوزیان، ایرج. *حقوق جزای عمومی*.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۲ ق). *شرایح الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. چاپ سوم، قم: انتشارات دارالمهدی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. *تفسیر نمونه*.
- موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن. (۱۳۱۹ ق). *قواعد فقهیه*. چاپ دوم، نجف: چاپخانه ادب.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۲). *مجموعه مقالات فقهی، حقوقی، فلسفی، اجتماعی*. ج ۳، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- نجفی، شیخ محمد حسن. (۱۹۸۱ م). *جواهر الکلام*. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، ملا احمد. *عوائد الایام فی بیان الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*. چاپ سنگی.
- ولیدی، محمد صالح. *حقوق جزای عمومی*.
- _____ ۲. *حقوق جزای مسئولیت کیفری*.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.